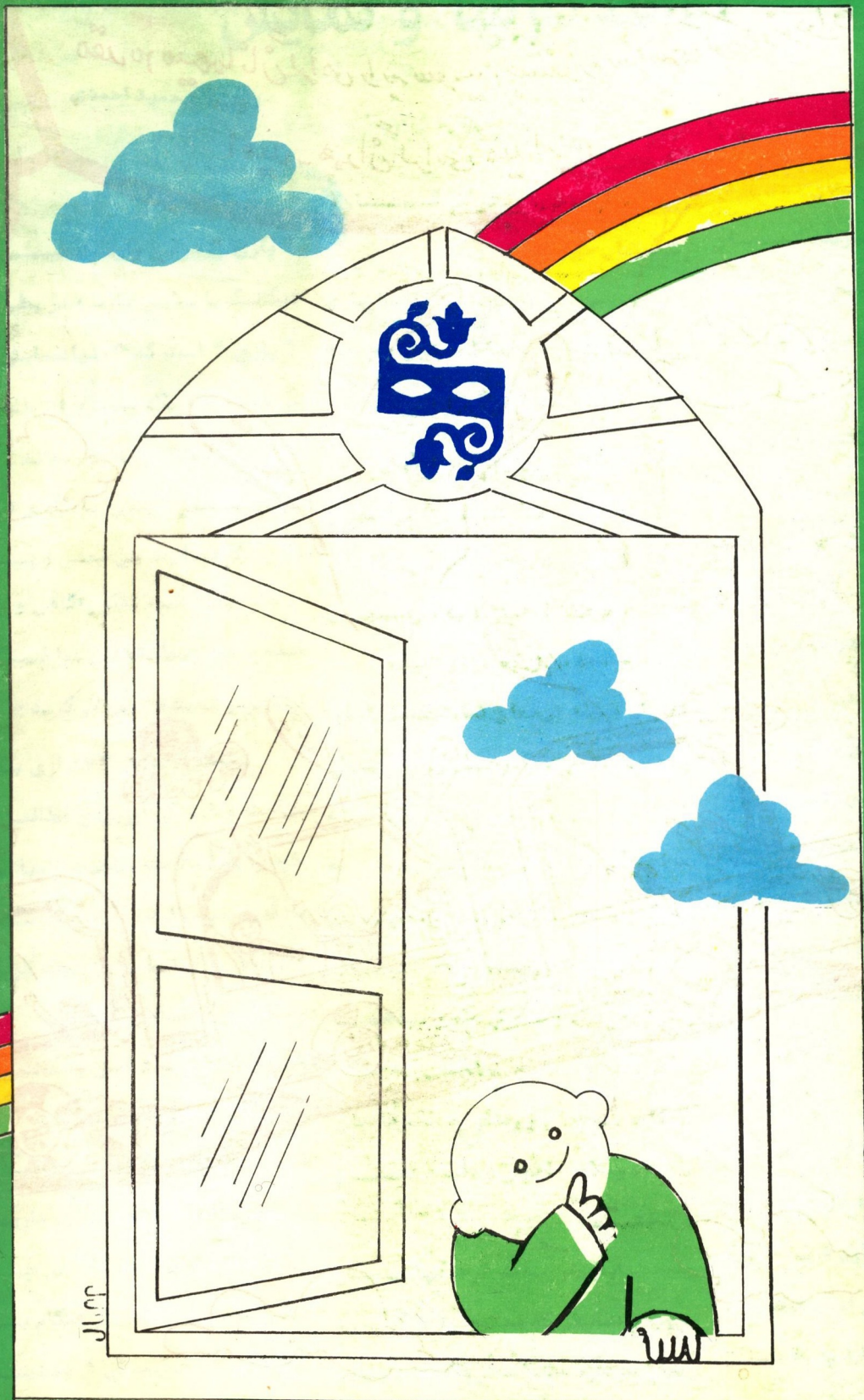


سومین جشنواره سم اسپی تأثیر کودک

و نوجوان، امید، همدان

۱۰-۱۷ مهرماه ۷۲



۱۰۴۲

مقدمه بیست و نه ساله برای راه سومین جشنواره سراسری کودکان و نوجوانان
امید - همدان برای همه





روابط بازیها و نمایش

نویسنده: حمید احمدی

"بازیها" یکی از بنیادهای نمایش است که قدمت آنرا تا دیرینه انسان اجتماعی باید جستجو کنیم. براستی وقتی دیده به تحلیل بازیهای گشائیم آنرا مخزنی سرشار از مواد نمایشی می بینیم، فرم، انواع علائم و حرکات ناب نمایشی، جان مایه بسیاری از درونمایه های داستانی، که در زیر باخت انواع ادبی - نمایشی و سبکهای اجرایی حتی در تئاتر معاصر و مدرن خودرانشان میدهد.

بازیها از لحاظ زیر بنای موضوعی از يك سو با قلمه های کهن اشتراك دارد و لاجرم با داستان و نمایشنامه های کودکان نیز دارای فصل مشترك است، از دیگر نگرش یعنی فرم و قالب دارای تنوعی است که ماحصل تکاملی آن در انواع نمایش کودکان - نوجوان دیده می شود.

بهر حال برای وارد شدن به حیطه روابط بازی و نمایش باید دو قطب اساسی مورد نظر باشد، اول در کارکرد روانشناسی و دوم بررسی فرم و قالب و روشهای اجرایی که در اینجا بطور

اخص در ارتباط با تئاتر کودکان و نوجوانان می باشد. پس بررسی در جهت استفاده از بازی برای نمایش چه به لحاظ محتوی و چه قالب مد نظر مآقراری می گیرد.

الف - استفاده از بازی برای نمایش به لحاظ سهم "نمایش" در قلمبرو تعلیم و تربیت انکار ناپذیر است و در انتقال فرهنگ به افراندنیویای جامعه نقش به سزای دارد.

نمایش وسیله ترجمان تمام تجارب عمومی و مشترك مادر چهار چوب اجتماع است. نمایش بما نشان می دهد که مردم چگونه با موقعیت خود در صحنه بزرگ حیات زندگی می کنند و همچنین گذشتگان چگونه زیسته اند. فرهنگ آموزش می دهد و نمایش نشان میدهد بطور زنده و عینی از مباحث پرده بر می دارد، با زبان و رفتار به الگوها جان می دهد و بطور ملموس و دلپذیر تجسم می بخشد.

نمایش در وسعت فرهنگها پیش می رود و همانطور که محتوی را می گیرد و بیان می دارد میتواند از قالبها سود

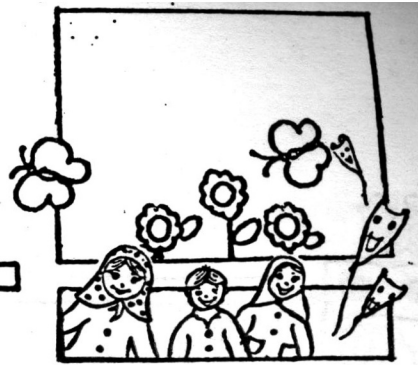
جویسد. "بازی" در این باره رابطه های تنگاتنگ با نمایش دارد. در بطن "بازی" است که "بنیاد نمایش" تبلور می یابد. بطوریکه بسیاری از روانشناسان و مربیان تربیتی اشاره کرده اند "بازی" بخش اساسی شیوه یادگیری است بازی يك فعالیت بی معنی و پیچ نیست بلکه شیوه تفکر و آگاهی و عمل است و خود وسیله انتقال عواطف و احساس و اندیشه تلقی می گردد.

توسط "بازی" تکراری بودن مباحث و خستگی آور بودن مطالب جای خود را به فعالیت و رغبت و میل به یادگیری می سپارد و از این لحاظ وسیله ای برای تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان قلمداد می گردد.

خصوصیت مشترك نمایش و بازی را می توان در موارد ذیل برشمرد:

۱. در شروع بازی بمانند آغاز فعالیت نمایشی آنچه را که پیش رو داریم وجود دارد و دیگر هیچ هدفی جز آن نداریم، بعبارت دیگر هنگام بازی غرق در "بازی محض" هستیم

سومین جشنواره مسابقات تئاتر کودکان و نوجوانان



و مطیع فضا و قوانین آن شده ایم.

۲۰ زمان بازی حال است و قائم بالذات خود در هر لحظه به ظهور می رسد چون زمان حال نمایش که در هر اجرا ارتباط زنده و فعالیت صحنه ای خود را دارد و لود و اجراهای متعدد تکرار کردد باز هر اجرا یک نمایش محسوب می گردد.

۲۱ عنصر لذت در زیبا شناختی و آگاهی از این لذت هر بازیگر را تحت تاثیر قرار می دهد. لذت عام ناشی از بهره وری از جهان پیرامون با جهان درونی که در نهایت یک کشف است.

در بازی و نمایش، بازیگر در نقش خود کوشش درونی دارد تا از استعداد خود بطور خلاقه استفاده کند و به تجسم نقش بکوشد و از نگرش جدید به موقعیت و جهان خود بنگرد. در این فعالیت عملاً "تجربیات فرهنگی - انسانی ملموس می شود."

۲۲ "ابراز وجود" نیاز روانی عمیقی است و در بازی و نمایش این نیاز تجسم می یابد که بصورت "من می خواهم..." بیان می شود، مخالف با این خواست منجر به کشمکش می شود. هر بازیگر در برابر موانع از حداکثر توانایی و استعداد خود بهره می گیرد، تنشی که پدید می آید، دارای لذت و تفریح است و هم در

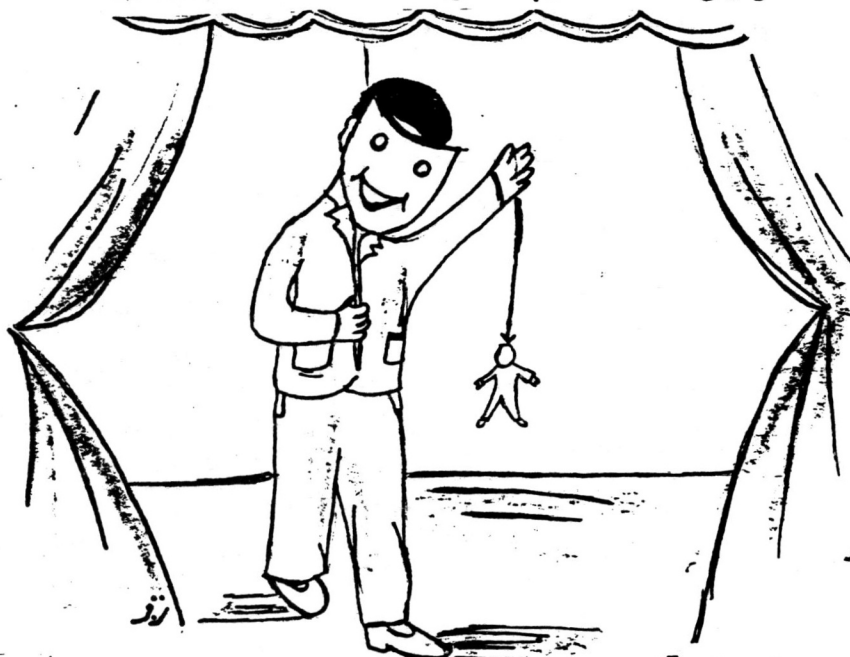


کوشش او اعتماد بنفس آشکاری را به وجود می آورد. این انرژی خلق شده پشتیبان استعدادهای آینده اوست.

این درگیری ناشی از عملکرد نقش رفتار و حرکات را در هر لحظه معین می کند و بدان سمت که کاملترین میدان عمل است هدایت می کند. بازی و نمایش در این مرحله عملی جدی محسوب می شود و انگیزه آن از محرک درونی منشاء می گیرد و در مراحل تباد بازی و ساختار دراماتیک نمایش به غایت عمل و نتیجه کوشش منجر می گردد، که یک پالایش روحی یا "کاتارسیس" است. نتیجه ای

او آزادانه و با طیب خاطر صورت می گیرد و این فعالیت تمرین ورود به زندگی اجتماعی است و فنر را برای حفظ نظام جمع و قواعد فرهنگ آماده می سازد.

ب - استفاده از بازی برای نمایش به لحاظ قالب "بازیها" اغلب دارای یک کارگردان منتخب و منصف است که "اوستا" نامیده می شود. در بازیهای گروهی سرپرست هر گروه نیز می تواند تعیین شود و یاد بازی دونه فرجه وجود داور ناظر کمتر حس می شود، اما عملکردها لزوم یک نفر را که ناظر بر "قانون بازی" است



عمیق که تولید آرامش و نگرش سالم به زندگی می کند.

۲۳ بازی و نمایش یک فعالیت جمعی است، نظم و قاعده دارد و هر بازیگر باید قوانین آنرا رعایت کند و حقوق افراد را محترم بشمارد. انتخاب

می طلبد. برای شروع و تعیین "اوستا"، اعمال انتخاباتی گوناگون است که در موارد زیر انجام می گیرد:

- براساس تصادف: مانند شیریا خط

ادامه دارد



اطلاعیه

نظر به اینکه صبح روز جمعه مورخه ۲۲/۷/۱۶ جهت گروههای شرکت کننده در جشنواره برنامه کوه پیمائی در میدان میشان (واقع در دامنه الوندان) در نظر گرفته شده است ، لذا به اطلاع عزیزان گروههای نمایشی می‌رساند چنانچه برنامه های کوتاه هنری اعم از میان پرده ، تقلید ، ۰۰۰۰ آماده اجرا داشته باشند می‌توانند جهت اجرا حداکثر تا پایان روز ۲۲/۷/۱۲ به اداره امور هنری مراجعه نموده و بابت کبوتر آهنگی هماهنگ نمایند .

" اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی همدان "

" روابط عمومی جشنواره "

اجرای نمایش

اجرای نمایش

اجرای نمایش " زندگی‌ان شاء "

مکان : شهرستان نهاوند

زمان : ۲۲/۷/۱۱ ، بعد از ظهر - در دوسانس

اجرای نمایش " روباه دم زنگوله "

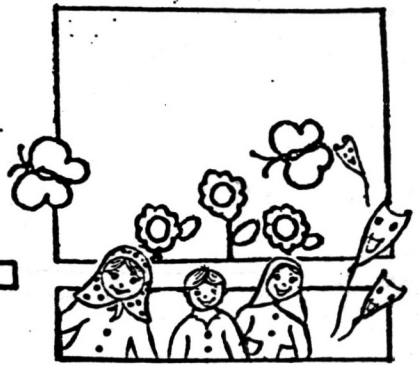
مکان : تویسرکان

زمان : ۲۲/۷/۱۱ - در دوسانس

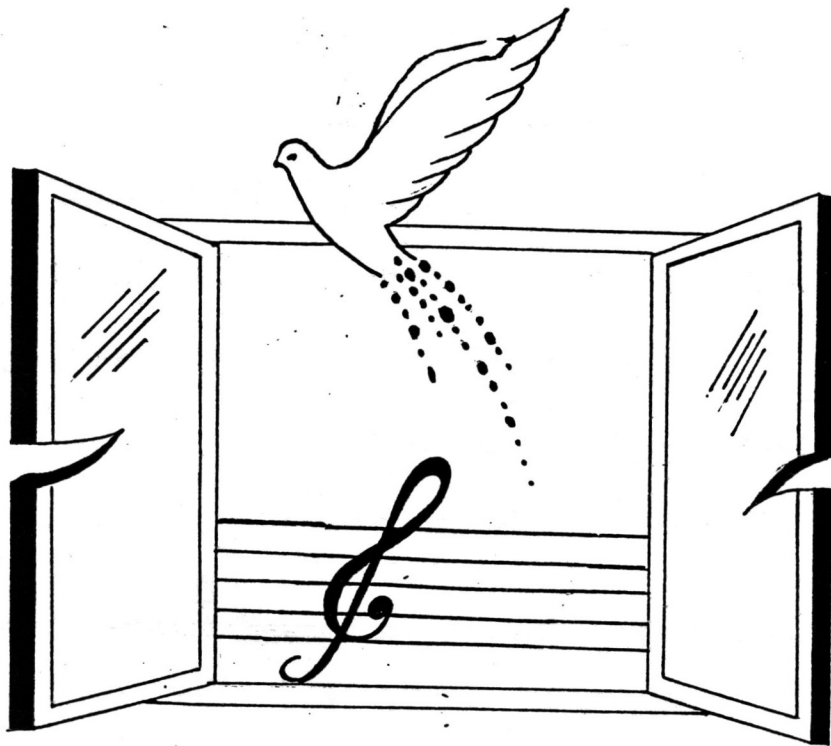
اجرای نمایش " بادبانها را بکشید "

مکان : سالن مهدیه (امور تربیتی همدان)

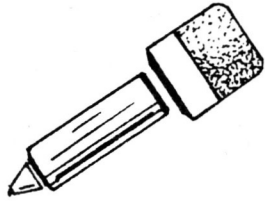
زمان : ۲۲/۷/۱۱ ، از ساعت ۴ - ۳ بعد از ظهر



پیرامون موسیقی نمایش راز جنگل سبز



- | | | |
|--|---|--|
| ۳- سیتی سائزر و تنبک با هم مغایرت دارد و با توجه به هارمونی و موسیقایی باموضوع نمایشنامه (دارای تحرك و ریتم) جالب تر بود که از ضرب استفاده می شد و بنظر معقولانه تر می نمود. | ۲- دربروشور نام پیانو چاپ شده و در اجرا از سیتی سائزریا ارگد استفاده می شود. آنها در شروع با آهنگی که هیچ تم مناسب نمایش را ندارد و قطعات تکراری به خسته شدن تماشاگر می انجامد. | باتشکر از دست اندرکاران جشنواره و همچنین نویسنده، کارگردان و عوامل نمایشنامه " راز جنگل سبز" از شهرستان ملایر، ضمن تقدیر از کارگردان نکاتی در مورد موسیقی متن قابل تذکر می باشد. |
| باتشکر | ۱- آیا موسیقی متن داشتی | یا اجرای موسیقی متن ؟ (چونکه |
| مرادی - فریدونی | | |



مصاحبه با هیئت بازخوانی و بازبینی

مصاحبه با آقایان وفادار ، خلیج ۲

و آشنایی کامل با فنون و سبکهای نوشتاری دارد و ظرایف آن بعد از سالیان سال به انسان دست می‌دهد و به آن مرحله می‌رسد .

یک بازیگر هم بعد از سالیان سال به این نتیجه می‌رسد که می‌تواند یک بازیگر خوب برای کودکان باشد .

پس جواب شما این می‌شود که ما در جشنواره باید کارهای خوب گروههای حرفه‌ای و بالطبع متن خوب کارگردانی و طراحی صحنه و صدا و نور در اسلوب مطرب باشیم .

س : در راستای برگزاری جشنواره امید که امسال سومین سال آن را در پیش رو داریم استان همدان تا چه اندازه توانسته در این زمینه موفق باشد ؟

ج : جشنواره سالهای اولش را می‌گذرانند و بالطبع مسئولین در این ۳ سال تجربه‌هایی را اندوخته‌اند و ما شاهد بوده‌ایم که مسائل مختلف جشنواره را با دلسوزی تعقیب می‌کنند و این به نظر من برای استان همدان فرصت خوبی که ضمن میزبانی جشنواره مکانی باشد برای تئاتر کودکان و نوجوان و امیدوارم هر سال پر بارتر و پیر شکوهرتر و بهتر برگزار بشود .

صحیح مسئله تربیت بچه‌ها حل شود آن موقع خیالمان راحت است .

اگر بتوانیم متونی بنویسیم که در آن به بچه‌ها الگو بدهیم، به بچه‌ها بگوئیم این کار خوب است و بگوئیم چرا خوب است و اگر بد، چرا بد و به بچه‌ها در زندگی آینده راه خویش را بر اصول صحیح پایه گذاری نمائیم .

س : آقای خلیج بنظر شما تا چه اندازه جشنواره های کودک و نوجوان مثمر ثمر خواهد بود ؟

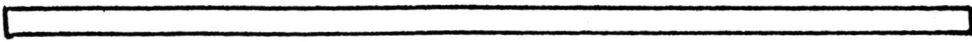
ج : کار جشنواره پرداختن خاص به مسئله کودک و نوجوان است و گروهها با تخصصی در زمینه تئاتر کودک به تئاتر برای کودکان می‌پردازند و این تئاتر، کودک را باید خوب بشناسد و درونیات و ذهنیات او را خوب بداند . گروهها که بعضاً حرفه‌ای هستند می‌روند برای کودک کار انجام می‌دهند طبعاً " نمایشنامه نویسی یک تخصص است و ما از یک نوجوان ۱۵ یا ۱۶ ساله انتظار نداریم که یک نمایشنامه خوب بنویسد چون نمایشنامه نویسی احتیاج به مطالعه

س : آقای وفادار ضمن عرض سلام لطفاً بفرمائید درالقاء پیام تئاتر کودک موفق تر است یا تئاتر برای کودک ؟

ج : خب بالطبع تفاوتی دارد و هر کدام از اینها تعریف بخصوص دارد ، تئاتر کودک برای کودک اجرا می‌شود معمولاً " توسط بزرگترها اجرا می‌شود و تئاتر کودک که کودک برای کودک اجرا می‌کند بستگی به متنی است که انتخاب می‌کنند ولی بعضی وقتها کودک نمی‌تواند با شخصیت ارتباط برقرار کند ولی بزرگترها با متنی که در دست دارند و اجرا را خوب عمل می‌کنند که حتی روی بزرگترها نیز تاثیر می‌گذارد ، بهر صورت در هر دو نوع بسته به کارگردانی و عوامل جانبی است که تاثیر کار را ایجاد کند .

س : آقای وفادار باتوجه به شغل و تخصصی که دارید ویژگی نمایش کودکان را برشمرد ؟

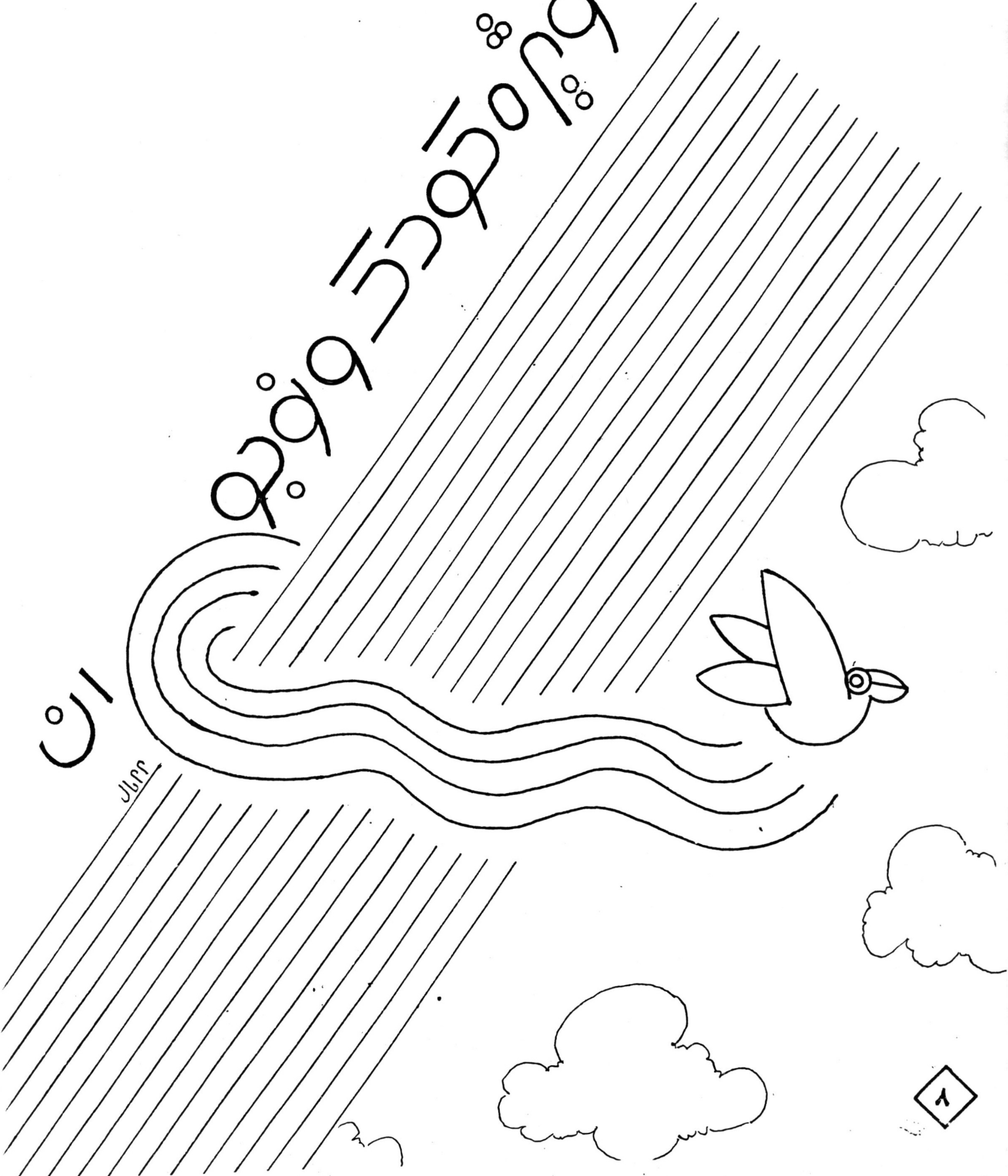
ج : کار که مسائل بچه‌ها را بگوید مهمترین مسئله و شاید از همه مسائل محتر است ، از نظر شخصی خودم تئاتر باید بعد تربیتی داشته باشد و اگر با برنامه ریزی های



وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بَارِكًا فَنُفِثْنَا بِهِ نَاجِدًا سَائِرًا فِي الْأَرْضِ فَخَلَقْنَا مِنْهَا رِجَالًا وَنَعْتًا وَمِنْهَا جِبَالٌ كَانِبًا

الْبَرِّ

الْبَرِّ





هشت نکته در نمایشنامه نویسی کودکان

شمار زیادی از نویسندگان جوان و جوانان شیفته تئاتر به نوشتن نمایشنامه برای کودکان و نوجوانان علاقه نشان می‌دهند. علاقه آنها البته، بی‌سبب نیست. خیال می‌کنند که نوشتن نمایشنامه برای کودکان و نوجوانان ساده و آسان است، و منتقدین تئاتر هم در این مورد خاص چندان سخت گیر نیستند. در آنچه می‌خوانید به شما می‌گوئیم که برای نوشتن نمایشنامه‌های خاص کودکان و نوجوانان چه باید بکنید.

چگونه برای کودکان و نوجوانان نمایشنامه می‌نویسید؟

بهترین پاسخ را جادوگر بزرگ تئاتر "کنستانتین استاینسلاوسکی" نظریه پرداز فقید روسی به شما می‌دهد:

همانطور که برای بزرگسالان نمایشنامه می‌نویسید منتها بهتر!

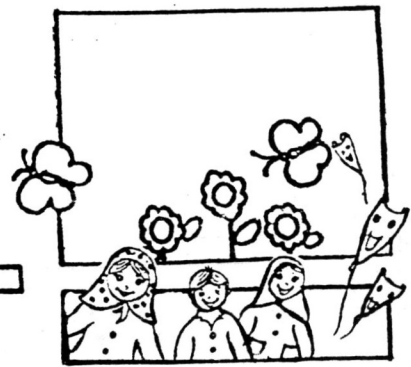
بسیاری از نمایشنامه نویسان خیال می‌کنند نوشتن برای کودکان و نوجوانان ساده‌تر از نوشتن برای بزرگسالان است چون بچه‌ها کمتر میان "بد" و "خوب" را تمیز می‌دهند. اشتباه می‌کنند. اگر نمایشنامه نویس نتواند با کودکان و نوجوانان ارتباط برقرار کند، مخاطبان او تپ نمی‌آورند و ترجیح می‌دهند هر چه زودتر سالن را ترک کنند.

دخترکی که در ردیف جلو نشسته و نخودی می‌خندد برایش مهم نیست که شما شکسپیر باشید یا کفاح، فقط می‌داند که چه چیزی را دوست دارد.

درک آنچه که کودکان و نوجوانان دوست دارند و بعد به کار گرفتن آن در نوشتن نمایشنامه ای جذاب کار و وظیفه ساده‌ای نیست. اما در عین حال ساده‌ترین کار ممکن هم هست من وقتی برای بچه‌ها می‌نویسم یک بچه می‌شوم و در ساخت و پرداخت نمایشنامه‌ام به چیزهایی که همه ما در دوران کودکی از آن لذت می‌بردیم، توجه می‌کنم. نمایش و بازی برای بچه‌ها همانقدر طبیعی است که نفس کشیدن و اگر نمایشنامه شما پر از جاذبه‌های "بازی" و "بازیگوشی" نباشد، در واقع نفس ندارد.

در این جا به ۸ نکته اساسی اشاره می‌کنیم،

تهیه و تدوین: حمید احمدی



مخاطب خود را بشناسید

همانطور که هر پدر و مادری می‌داند، ذوق و سلیقه گاه میان مخاطبان شهریه و روستایی، و غنی و فقیر متفاوت است.

من این درس را پس از بازی در نمایشنامه‌ای درباره ضررهای جبران ناپذیر اعتیاد به مواد مخدر آموختم وقتی تماشاگران کم سن و سال نمایش، خسته و دلخور، سالن نمایش را ترک می‌کردند شنیدم که پسری به همکلاسی‌اش می‌گوید:

"کلاس را تعطیل کردند تا این را به ما نشان بدهند؟" ما باید می‌دانستیم که مخاطبان ما، شاگردان کلاس پنجم و ششم دستانی در حومه شهر هنوز چیزی از مواد مخدر نمی‌دانند شاید پیام نمایش ما برای همان گروه سنی منتها از یک مدرسه شهری قابل درک تر بود.

من متوجه شده‌ام که کودکان ۶ تا ۹ ساله دوست دارند غرق در دنبائی تخیلی و زیبا بشوند مثل ۰۰۰ اما یادتان باشد که کودکان ۹ ساله و نوجوانان می‌توانند با مفاهیم مهمی مثل مرگ و فقر و بیچارگی عشق و دوستی، بدون نیاز به تمثیل روبرو شوند و در این مقاطع سنی علاقه به ماجراجویی‌های قهرمانانه خیلی زیاد می‌شود و قراردادان آنها در مقابل حوادث تاریخی، علاقه و اشتیاقشان

را برای شناخت شخصیت‌های واقعی و تاریخ افزایش می‌دهد.

تقریباً همه کودکان و نوجوانان به داستانهای فولکلوریک، داستان‌هایی که بطور شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل گردیده، علاقه نشان می‌دهند اگر بتوانید چند داستان فولکلوریک را چنان ماهرانه بهم پیوند دهید تا طرح و کشمکش تازه‌ای پدید آید، یقین داشته باشید که توجه و شور و شوق مخاطبان خود را جلب می‌کنید.

مخاطب را درگیر کنید

برای کودکی که نخستین بار به سالن نمایش می‌آید، دیوار چهارم - ایمن قرارداد که بازیگران از وجود تماشاگران خیر ندارند - وجود ندارد. وقتی یک شخصیت نمایش از خود سوالی می‌کند باید انتظار داشته باشد که مدتها صدای مشتاق جواب سوال او را بدهند. بچه‌ها از ارتباطی که فیلم و تلویزیون از آنها دریغ می‌کند، بیزارند. مثلاً "در نمایشی ممکن است بازیگران درست در بحرانی ترین مقطع نمایش، بازی را متوقف کنند و از مخاطبان نخواهند که چه نوع پایانی را دوست دارند و سه دنبال یک نظر خواهی سریع، دست به بداهه سازی بزنند.

قهرمان خود را بی‌باک و پرشور نشان

دهید

برای قهرمان نمایش خود هدفی معین را که باید به آن برسد مشخص کنید و بعد بر سر راه او موانعی ایجاد کنید تا با گذشتن از آنها به هدف خود برسد یادتان باشد که قهرمان نباید کامل باشد اشتباهاتی که از او سر می‌زند علاقه مخاطبان را به قهرمان بیشتر می‌کند اما اینهم به خاطر داشته باشید که هر وقت اشتباه می‌کند، باید فعال باشد.

در نمایشنامه‌ای از خودم با عنوان "کورسویی از دور" که آنرا با همکاری "بیل جانز" نوشتم - "بی بی" ۹ ساله از یک خانواده تنگدست روستایی می‌آید او که از ناتوانی والدین خود برای پایان دادن به بحران مالی به جان آمده بر آن می‌شود تا خود دست به کار شود و از خانه فرار می‌کند تا از رئیس جمهور کمک بخواهد. ما در این نمایش از مسایل گوناگونی با مخاطب حرف می‌زنیم می‌خواهیم با شخصیتی همراه شویم که اقداماتش را می‌توان محکوم کرد برای قبولاندن این وضعیت خطرناک به کودکان و نوجوانان (مخصوصاً معلمان آنها) باید به دقت انکزه‌های فرار "بی بی" دخترک ۹ ساله را از خانه - که عملی نادرست جلوه می‌کند - بذرقتنی و قابل قبول نشان دهیم و

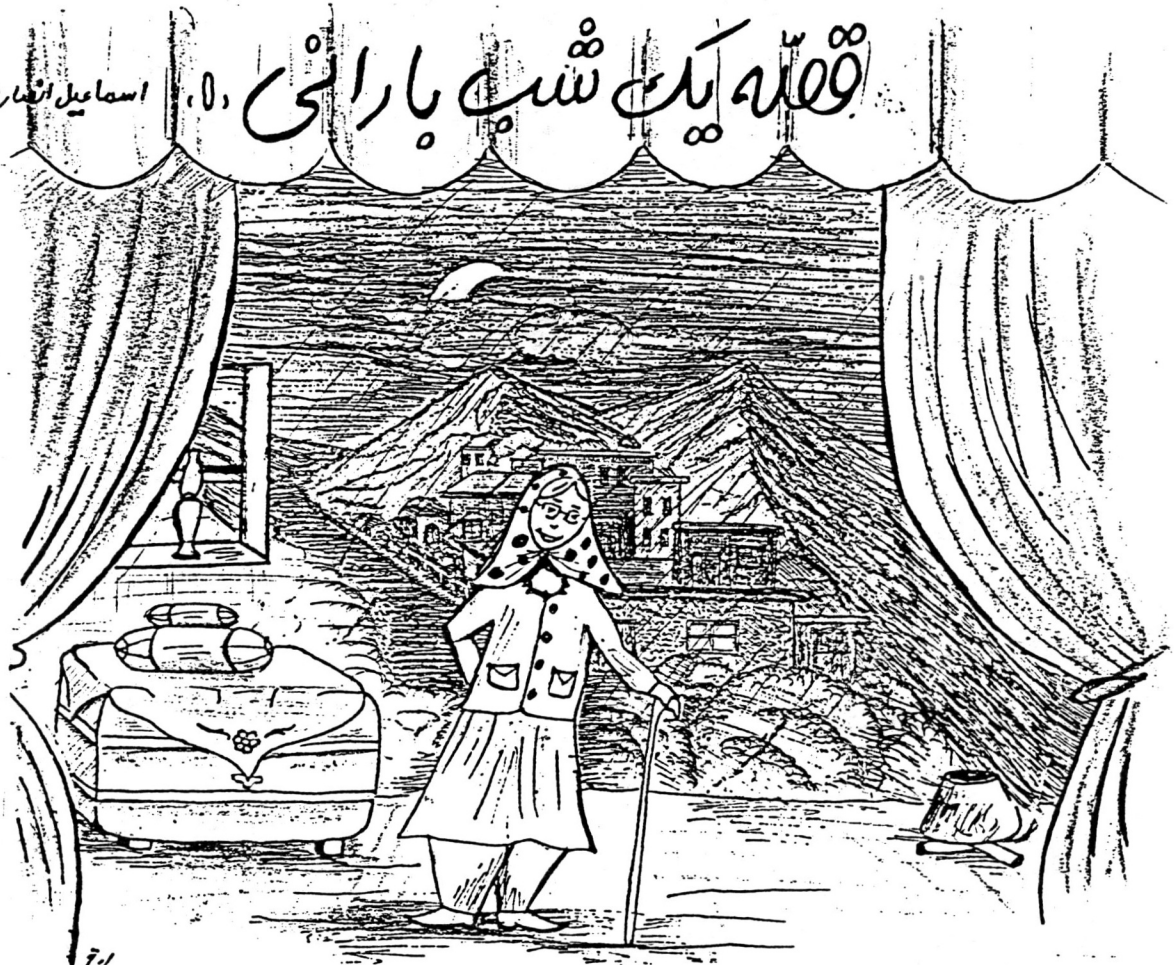


خاطر است که بچه ها انگیزه یا بی
را برای نجات خود و خانواده اش درک -
میکنند . موقع خروج از سالن هیچکدام
از آنها فکرنمیکنند که فرار از خانه کار
خوبی است .

فمننا " یکی دو شخصیت مهربان را که
از او در اقدام ماجرا جویانه اش حمایت
میکنند بر سر راهش قرار دهیم . اگر
نمایش برای بچه ها جالب است ، ،
یک توصیه جدی، به داشتن يك قهرمان
و همدلی و آشنایی میکنند .
ادامه دارد ...

قلعه یک شب بارانی

اسماعیل انصاری



ادامه دارد

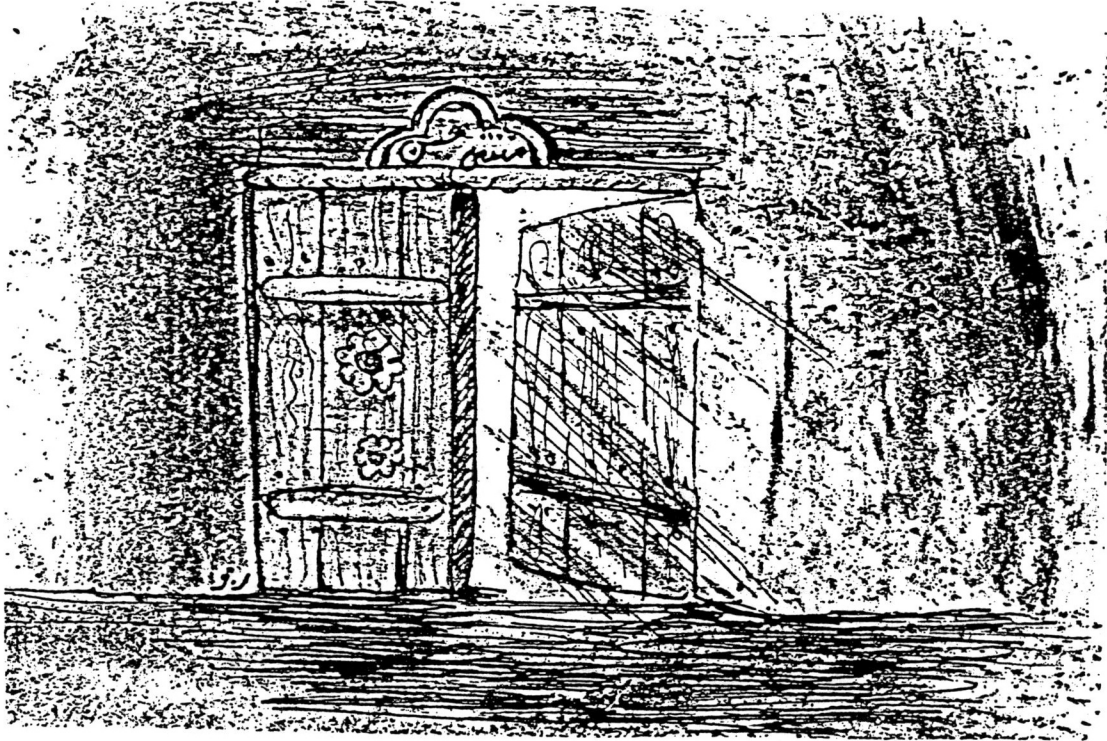
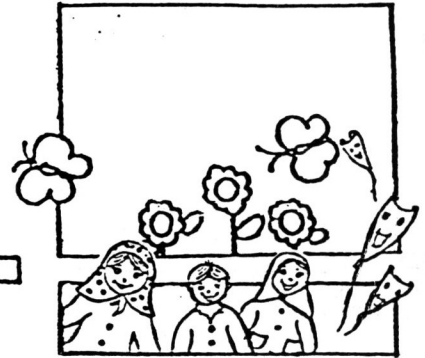
راوی : آخ چی بگم ، وای چی بگم
من همیشه قعه میگم
قعه ابر ، قعه ماه
قعه شبهای سیاه
قعه شهر قعهها

قعه دریاهای دور
قعه سنگهای صبور
قعه برگ ، قعه جنگل و درخت
xxxx
اما حالا ، آی بچهها

(راوی پیرزنی است که وسط محله
ایستاده ، پشت سر او فضای دهکده ایست .
شب شبی تاریک و بارانی است .
رعد و برق غرش می کند ، برای لحظه ای
صحنه روشن می شود)

سومین جشنواره هم آسری نام خودت و نوجوان





قمه این دفعه ما

(حرکت می‌کند و گوشه سن می‌آیتد

و به دهکده اشاره می‌کند)

قمه این دهکده بارونیه

آی بچه‌ها ، آی بچه‌ها

قمه ما ،

قمه این شب ، شب تاریک و سیاه

آهای آهای بچه‌ها

اینه اصل ماجرا

xxxx

یه شب هوا گرفته بود

ابرا ، ماه‌پوشنده بود

بارون و بارون می‌اومد

صدای ناودون می‌اومد

مردم ده خواب بودن

بی خبر از آب بودن

وای چه شبی ، وای چه شبی

سرد و سیاه

بارونی و غمگین و تاریک همه جا

مردم ده تو خواب ناز

در همه خونه‌های ده

بسته ولی در خونه مшти حسن

از سرشب

چار طاق و باز

(راوی : بله دوستان عزیزم) عما به

دست حرکت می‌کند و روی مندلی

می‌نشیند)

دهکده زیبای ما ، توی اون شب تاریک

و بارونی منتظر واقعه‌ای بود ، مخصوصا "

خونه مшти حسن ، که بدون اینکه خبر

داشته باشن باز ، باز مونده بود .



ادامه دارد



مماحبه با تماشاگران کودک و نوجوان



به نام خدا

س : سلام عرض کردم

س : لطفا " خودتون را معرفی کنید

ج : من سیدمعودحینی

س : نمایش " راز جنگل سبز

را دیدید نظرتون را درباره نمایش

بفرمائید.

ج : - بد نبود

س : از کجای نمایش خوشتون لومد؟

که می گوئید بد نبود

ج : بیشتر از برگ و بزم خوشم آمد

س : از نمایش چی برداشت کردید ؟

ج : اینکه زورگویی در جنگل زیاد خوب

نیست وقتی شیر خودش زور بگه بقیه

هم زورگو می شوند.

س : شما خودتون را معرفی کنید

ج : سارا مدتور

س : نمایش راز جنگل سبز را دیدید

تمام شود.

میشه بگی نظرت در رابطه با این

نمایش چیه ؟

ج : خوب بود اما زیاد خنده دار نبود

س : دوست داشتی چطور بود ؟

ج : می خواستم خنده دار باشه

س : لطفا " خودتون را معرفی کنید

کنید .

ج : اصغر لشگری، هتم کارمنند

حق التدریسی اداره ارشاد مشهد

س : میشه نظرتون را درباره نمایش

راز جنگل سبز بفرمائید .

ج : کار نسبتا " خوبی بود ولی

درپاره ای از جاها به اصطلاح

کارگردان یا نویسنده پرگویی زیاد.

بود کار می توانست يك کار خوبی

باشد يك نگاه دیگر اگر کارگردان

می انداخت کار می توانست يك کار

خوبی باشد . در صحنه برگ و بزم

ویا پلنگ و آهو کار می توانست

مماحبه با سحر خلیلی سال

پنجم ابتدایی بازیگر نقش آهو

" نمایش راز جنگل سبز "

س : درباره نقش خودتان چیه

می گوئید ؟ این اولین بازی شماست ؟

ج : من خودم زحمت کشیدم تا آنجایی

که توانستم ، من دومین بار است

که بازی می کنم .

س : موقع بازی چه احساسی داشتی ؟

ج : آن لحظه احساس می کردم که

پلنگ واقعا " می خواهد مرا بخورد .

س : چه انتظاری از جشنواره دارید ؟

ج : دوست دارم تئاترهای بیشتری

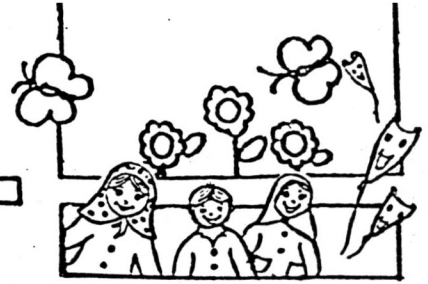
بازند که بچه ها در آن نقش داشته

باشند . و اصلا " بچه ها در آن همه کار

باشند و در آینده ، بتوانند نویسند،

و کارگردان خوبی شوند ،

باتشکر از مسئولین عزیز



مصاحبه :

مصاحبه با کارگردان

نمایش "راز جنگل سبز"

خبرنگار :

در اولین روز از سومین جشنواره

سراسری کودکان و نوجوانان " امید "

شاهد اجرای نمایش " راز جنگل سبز "

از ملایر بودیم در خدمت آقای حسن

روستایی کارگردان این نمایش هستیم .

س : به عنوان اولین سؤال آقای روستایی

چندمین کار شماست و آیا تاکنون کار برای

کودکان انجام داده اید ؟

ج : در زمینه تئاتر ۴ کار را کارگردانی

کردم و اولین کارم است برای کودکان .

س : به عنوان اولین تجربه در این کار

چقدر موفق بودید ؟

ج : خوب این طریقی معمول یک جنواب

کلیشه ای دارد و بستگی دارد که نظر

بینندگان چی باشد .

س : خودتان تاچه اندازه راضی

هستید ؟



ج : راضی هستم و کارگردانی یشك . سعی می کند این دنیای تخیلی

ایده آل دارد که فکر می کند نمی رسد . و اجسام اطرافش را بهم ربط بدهند

ولی سعی خود را می کند که ماسعی

کرده ایم به آن ایده ای که

در ذهنمان است برسیم .

س : چند درصد به این ایده ال خود

رسیده اید ؟

ج : بالای ۵۰٪ ، ۷۰٪ رسیده ایم .

س : به نظر شما کار کودک باید دارای

چه ویژگیهای باشد ؟

ج : دنیای کودک دنیای ظریف و پر

اساسی است و خود کودک نیاز دارد که

ما این ظرافتها و احساسات

را حس کنیم و وارد شدن به دنیای

کودک یک مجوز می خواهد .

و ارتباط خوب است . کودک همیشه

سعی می کند این دنیای تخیلی

و اجسام اطرافش را بهم ربط بدهند

مثلا " این حیوانات را در قالب

آدم حساب می کند و پیامشان

راز زبان حیوانات می گیرد ، ما

هم سعی کردیم از این طریق

وارد دنیای کودک بشویم .

س : تاچه اندازه تماشاچی

کودک و نوجوان شما آن پیامی

که مدنظر شما و نویسنده متن بوده

گرفته است ؟

ج : ماسعی کردیم که کودک بشنا

شخصیت های نمایش با صحنه

و عواملی که دست در دست هم

داده اند و تئاتر را تشکیل داده اند

احساس هم سویی کند



مصاحبه با تماشاگران

س : لطفا " خودتون را معرفی کنید .

ج : به نام خدا ، من فریبایعقوبلو هستم .

س : نظرتان را درباره نمایش راز جنگل سبز بفرمائید ؟

ج : کاربرد نبود اما طرح لباس مشخص نمی‌گردد که چه حیوانی هستند که تا وسط‌های نمایش نمی‌دانستیم تشخیص بدهیم . صداها خیلی ضعیف بود و فکر می‌کنم اشکالها همین بود .

س : آنچه گفتنید در مورد کارگردانی و بازیگری بود در مورد متن هم توضیح دهید .

ج : متن بدن بود و یک مقدار هم مثل اینکه بهش اضافه کرده بودند چون در کتابها که خوانده بودیم یاد ر تلویزیون دیده بودیم که لاک پشت برنده میشه و شاید در نمایش

باید اینگونه میشد ولی روی هم رفته متن بدی نبود .

س : آیا فکر می‌کنید این نمایش

ویژگی کارهای کودکان را داشت .

ج : تا حدودی

س : لطفا " خودتان را معرفی کنید؟

ج : من انوشیروان ارجمندهستم

و در رادیو تلویزیون مشه‌دکار کودکان می‌کنم

س : در مورد نمایش

" راز جنگل سبز " نظرتان چیست

و بفرمائید ویژگی نمایش کودکان

را داشت ؟

ج : حقیقت ماجرا برای این است

که ما فکر می‌کنیم برای کودکان

نمایش می‌دهیم ولی حقیقت

این است که حرفهای خودمان را

می‌زنیم . این نمایش بیشتر

نماهای تصویری بود و در ساختار کلی

نمایش آنچه را که کودک باید

با آن هم‌آزگرائی پیدا کند

خیلی کم بود .

س : لطفا " بفرمائید اشکال از متن

است یا کارگردانی ؟

ج : من فکر می‌کنم هم متن ، معمولا "

نویسنده و کارگردان اینگونه نمایشها

یک نفر است طبیعتا " وقتی نویسنده

می‌نویسه و کار می‌کند یک مق‌دار

تابع نظرات خودش است و آن کشف

وزوائد که باید از کار دور ریخته بشه

یا تعالی پیدا کند چون سلیقه ای

عمل می‌شود و گاه بصورت انفرادی

عمل می‌شود باید و شاید کار کند .

به نظر من اگر متن کوتاه‌تر می‌شد

و بیشتر به همان مائلی که مربوط به

کودک می‌شود می‌پرداخت بهتر بود .

اگر پدیده دورنگی است بـ

آن پردازیم ، اگر واقعا " جنگل

است اکل و معکول آن را برای کودک

باز کنند نه اینکه ۴ و ۵ موضوع

را درهم ادغام کنند و مافقط یک تصویری

دیدیم از پرشنامه های مختلف که

در قالب حیوانات صحبت می‌کردند

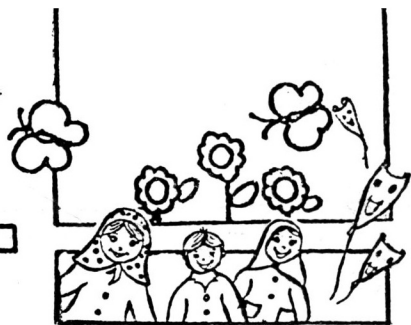
و خملت آنها را بروز می‌دادند . آنکه

حاکم است حاکم بماند حتی اگر ظالمه

باشد ، در هر صورت این ضعیفی است

روی هم رفته این کار می‌توانست

خیلی موفق‌تر باشد .



امین باراوند

حامد معارف وند

آرزو محوسوی

سحر خلیلی



نقد نمایش راز جنگل سبز

نویسنده: ولی اله صادقی

کارگردان: حسن روستائی

بازیگران:

بابک ابراهیمی

بهنام شهبختی

علیرضا آقانووری

محمد سعیدی

شهرام معارف وند

شهرام رضی

سعید حسینی

راز جنگل سبز قمه آمهات ؟

در آغاز دو راوی که در یک سمت نشسته‌اند با زبانی آهنگین و شاعرانه محیط جنگل را وصف می‌کنند . در پس زمینه صحنه پرده نقاشی جنگل را در یک روز تابناک نشان می‌دهد و حیوانات در آرامش کنار هم نشسته‌اند . راویها می‌گویند شیر سلطان جنگل اعلام کرده است که هیچ حیوان جنگل حق کشتن و خوردن حیوان ضعیف تر از خود را ندارد . حالا شیر روباه ، خرس ، لاک پشت ، خرگوشها میمون در نهایت دوستی در جوار هم به تفریح و خوردن میوه نشسته‌اند .

نمایش ساختار خود را در پنج صحنه کلی بنا نهاده است و می‌خواهد از خلال این قطعات طرح و تم خود را پی افکند .

۰۱ در مقدمه عمل نمایش مسابقه دو بین لاک پشت پیر و بچه خرگوش آغاز می‌شود ، هر دو در نهایت خارج می‌گردند .

۰۲ روباه از آرزوها ، خاطره و درد دل خود

می‌گوید مبنی بر اینکه چرا حق شکار ندارد . فلاش بک قمه روباه و کلاغ است اما برخلاف مرسوم قمه کلاغ پنیر خود را از دست نمی‌دهد و روباه سر افکنده از زیرکی کلاغ .

۰۳ آهو هراسان به کنار شیر می‌رسد ، متعاقب آن پلنگ می‌آید و شیر او را - شناتت می‌کند اما در کنار خود بسه او اجازه نشستن می‌دهد . آهو به کنار خرگوش به یک سمت صحنه می‌رود . در یک فراز کوتاه روباه قصد شکار خرگوش را دارد ، اما به کمک آهو خرگوش گول نمی‌خورد .

۰۴ بز دردمند به دادخواهی می‌آید ، گرگ که قصد او کرده وارد می‌شود ، شیر او را عتاب می‌کند . بز قمه گرگ را حکایت می‌کند در فلاش بک بسه قمه گرگ و بز که دو بچه بز را بنام شنگول و منگول توسط گرگ خورده شده پرداخته می‌شود و برخلاف مرسوم قمه استاد نجار اینبار شاخهای بز را بنا به دستور گرگ می‌شکند و دندانهای گرگ را تیز می‌کند .

۰۵ بازگشت پیروزمندانه خرگوش از مسابقه ، لاک پشت پیر هیچوقت به پایان مسابقه نخواهد رسید . شیر خرگوش اول را روی زمین می‌خواباند و قصد کشتن او می‌کند تصویر پایانی رابطه شکار است ، شیر و خرگوش برنده ، پلنگ و آهو ، روباه و خرگوش



گرگ و بز *

لاك پشت ، خرس ، زاغ و میمون نقش فرعی هستند و عمل پیش برنده قاطع را ندارند . نهایت داستان نمایش افشاگری حيله شیراست مبنی برگردآوری حیوانات تحت عنوان همزیستی مسالمت آمیز . قانون جنگل همچنان ادامه دارد . راز جنگل سبز فلسفه‌ای سیاه با فضایی از طنز گزنده است ، از این نقطه نظر که می‌گوید راز جنگل سبز ، قصه آدمهاست ، مبنای خود را به رابطه شکار و شکارچی ، قوی و ضعیف بنا نهاده است ، همچنین می‌توان گفت تیرگی يك بدبینی عمیق در آن موج می‌زند که به يك آینده تابناک چشم ندارد زیرا جامعه آرمانی مبنی بر همزیستی مسالمت آمیز را چیزی جز يك حيله برای سلطه قدرت نمی‌بیند ، عقاید صلح آمیز را جز يك ترفند زیرکانه نمی‌داند . این دیدگاه روش خود را در قصه‌های فرهنگی اعمال می‌کند . قصه " روباه و کلاغ " ، فرجام خودخواهی کلاغ را هجومی‌کند اما در اینجا کلاغ زیرکی به خرج می‌دهد و فریب روباه را نمی‌خورد ، با این تغییر ، تم غرور رابه تم هوشیاری تبدیل می‌کند .

در قصه خرگوش و لاک پشت ، بر اثر غرور ، خرگوش از سرعت خود به بازیگوشی پرداخته و در نهایت لاک پشت پیروز می‌شود ، در اینجا

واقعیت سرعت و جوانی و پیری مطرح

است ، همچنان که از تغییر تم غرور به تم قدرت (از دیدگاه ناتورالیستی و فلسفه نیچه) می‌پردازد .

در قصه بز و گرگ ، امید و تکیه بر نیروهای خویش‌تن در برابر قوی موج می‌زند ، احقاق حق میسر است . حق گرفتنی است . این تم تبدیل به تم قدرت همیشه پیروز می‌شود و به مظلوم می‌گوید در طلب حق خود ، خود را هلاک کند .

ماباید این دیدگاه یاس و سیاه می‌خواهیم آینده کودک را ترسیم کنیم ، راه روشن و امید کجاست ؟

نمایش هیچ فراز برجسته مثبت را مطرح نکرده است . طره واقعیان هولناک نمایش ، در فضایی کودکانه ، لحن طنز ، طنین شعر و آهنگ ، ضرب و پیانو حرکات نرم و ریتمیک کار را در فضای " گرتسک " می‌غلطانند . برخورد گرگ و بز و صحنه پایانی ضربات سیاه و مهیب آنسوی سکه است . باید به کودک بیاموزیم تکیه بر خود کند و با عدم آشفته‌گی از نیروی اندیشه‌اش کمک بگیرد و راه حل را پیدا کند .

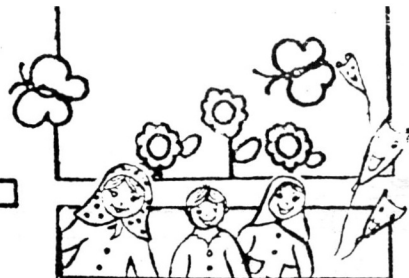
تمام هم و غم روانشناسی کودک نیز بر همین مبنا است . شناخت و عمل . مگر جز این چیزی است هست ؟ شناخت تنها بدون عمل کاربردی ، تحفه سبز نیست . کودک با نمایش همزاد گرایسی می‌کند و با صحنه یکی می‌شود و اگر ماندنی است .

در این ضربه‌آهنگ ارتباطی عمیق فقط راز سیاه باشد و بس جز سیاهی چه حاصل دیالوگ جدی با لحن و کلام مهجور از دنیای زبان کودکان ، که به ادبیات برای بزرگترها نزدیک است و چنین اندیشیده که با آهنگ و زبان نظم به ساده گویی گرائیده و گفتار نثر اوهم می‌تواند خواس مخاطب کوچک خود را محسوس کند .

ترکیباتی چون : روزمون تار مثل شام غریبان ، وقتی اینها بهم بسازند همزیستی مسالمت آمیز چه فایده دارد ، نکات ایمنی را رعایت کردن ، هریک محتاج تفسیر برای کودک است . اغلب آوردن کارکترهای زیاد ایجاد پیچیدگی می‌کند آنهم برای کودکان ، بهر حال کارگردان در ترکیب میزانشن کارکترها موفق نیست ، تداخل دیالوگها ، حرکت صحنه‌ای و اعمال بازیگران در صحنه ضربه‌آهنگ مغشوش اثر قوی را ندارد ، اثر صحنه در تقدم و تا ، خر حرکات تحت یک ترکیب منسجم نمود می‌یابد .

هنگام حضور بازیگران ترکیب متمرکز نیست . برای همین است که صحنه‌های فلاش بک مانند روباه و کلاغ ، گرگ و بز یا برخوردهای بسته گریخته نمایش موفقیت ارتباط به چشم می‌خورد . تماوبر فلاش بک براستی دیدنی و بیاد می‌کند و با صحنه یکی می‌شود و اگر ماندنی است .

سومین جشنواره ملی نمایش کودک و نوجوان



و در فضای ترسناک و یا انتظار پيانو
طنین هم‌رنگی می‌اندازد.
راوی : راوی صرفاً " گوینده نیست
احساس و لحن او باید حاکی از
موقعیت خود باشد زیرا غرض
روایت او بر اساس یک اندیشه
و عاطفه بنا شده است .

گریم و طرح لباس نسبتاً " خوب است ،
اما در گریم کاستی وجود دارد ، خطوط
اصلی چهره حیوانات ضعیف است و ما
از اول مشکل شناسایی حیوانات را داریم
ترکیب ضرب و پيانو، در فضا سازی نمایش
زیبا است . ضرب به موقع و مناسب
با حرکات و گفتار ریتمیک کمک می‌کند

بازیگران : بازیگران با لحن و حرکات
در نقش خود همگی کوشا هستند
و واقعا " زحمت کشیده‌اند
بازی روباه با حرکت و میمیک
زیبا و همچنین بازیگران خردسال
بخصوص بازیگر نقش آهو و بازیگر
نقش بز .

میهمانان جشنواره، خوانندگان محترم

میهمانان ، هنرمندان و تماشاگران سومین جشنواره سراسری کودک
و نوجوان " امید " همدان، امسال هیئت تحریریه بولتن یومیسه،
نوشتن مطلب در حاشیه جشنواره را به شما واگذار کرده ، اتفاقات ،
انتقادات و غیر مسئله ای را که در حاشیه جشنواره قابل طرح است بنویسید
تا از قول شما و بنام شما چاپ کنیم .

هدف این است که ضمن استفاده از قلم شیوای شما مسائل حاشیه‌ای

جشنواره نیز از طرف شما تحریر شود . **باتشکر**

" هیئت تحریریه بولتن روزانه جشنواره "



طنز

" آگهی "

به مسئول ستاد و مسئول روابط عمومی جشنواره

آقای لطفاً این آگهی را با صدا و سیمای مرکز همدان هماهنگی کنید تا از طریق پخش آگهی های استان پخش شود.

زمان پخش آگهی

به اطلاع کلیه مغازه داران و فروشندگان اجناس بنجول می‌رساند يك نمونه از کالاهای خود را جهت انتخاب و اهداء یادبود به هنرمندان شرکت کننده در سومین جشنواره تئاتر کودک و نوجوان امید همدان اقدام نماید.

ستاد جشنواره تئاتر کودک و نوجوان امید همدان

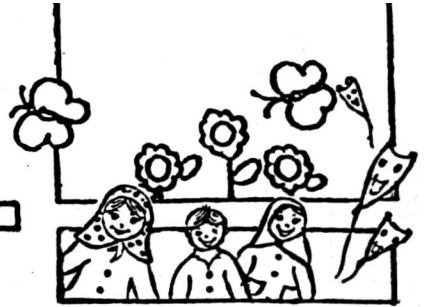
بعد از پخش آگهی

ببخشید جناب من دیشب شاهد پخش آگهی شما بودم ای کاش قبل از این اقدام با من مشورت می‌کردید.

مسئول ستاد : چطور مگه

آنطوری که بنده اطلاع دارم اولین جشنواره به هنرمندان جاسوچی اهداء کردید. دومین جشنواره ساعت دیواری به نظر بنده سومین جشنواره را هم از کوزه‌های لالجین اهداء کنید

مسئول ستاد : چرا کوزه ؟ آخه چه ارتباطی به هنرمندان دارد



به مسئول ستاد : نه اینکه جاسویچی و ساعت دیواری ارتباط داشت ، آقا جان کوزه بدهید
تا این دو قلم را بگذارند دم کوزه آبش را بخورد .

جدا " برای من که برای سومین بار شرکت می‌کنم یادبود بسیار مناسبی است ، حال نمی‌دانم
هنرمندان گرامی دیگر چی

هادی نوری

از گروه مشهد

بولتن : این تراوات قلمی نشانه این است که نویسنده هله وهوله زیاد خورده است
ولذا مانیز نوشیدن آب را به مقدار زیاد برای ایشان چه با کوزه و یا بی کوزه توصیه می‌کنیم .

رنجنامه بازیگری

حالیته ؟

آره داشتیم چی می‌گفتیم ؟ بنویس . مارو بازیگر محنه کردی حالیته ؟ مارو راهی جشنواو
کردی حالیته ؟ ای دیگه یادش بخیر مام واسه خودمون معقول آدمی بودیم .
دست کم هرچی که بود آدم پولداری بودیم . چک و سفته داشتیم ، یه ویلایی داشتیم .
پاترولی بود که هی ویراژ بدیم ، نصف شب مردم و از خواب پا کنیم . حالا از ما که گذشت
اما از این به بعد اگه شبی ، نصف شبی به گروهی مث ما بی پول و بی تن و لباس توسالین
برخوردی ، اون چارو هم بذار .
یا اقلا " دیگه این ریختی براش ایراد نگیر .
آخه من قریون اون نقدت برم ، اگه هر نقدی بخواد اینجوری آتیش بزنه ، تا حالا همه متنها
باید سوخته باشن ، حالیته ؟

محمد جواد کبوتر آهنکی



" تق تق شیپور ———— وور "

صادق عاشورپور ———— وور

بازی کودکان

چگونگی بازی : بچه ها پس از گرد آمدن در کوجه و محله پشس از رسیدن به توافق برای اجرای بازی ، نخست دودایره به يك اندازه در کنار هم روی زمین رسم کرده و یکی از دواير رابهشت و دیگری را جهنم نامگذاری می کنند و يك مستطیل به محاذی آنها رسم شده و خانه نامیده می شود . در انتخاب نقش یکی از بچه ها شیطان ، دیگری مادر و مابقی افراد ، فرزندان مادری شوند . مادر برای فرزندان اسامی حیواناتی چون گوزن ، آهو ، بز ، انتخاب می کند .

بچه ها همگی در میان خانه جای می گیرند و مادر در يك گوشه خانه بــــــــــــه نگهبانی می پردازد . شیطان با چهره ای که ترسناک نموده در حالیکه دو قطعه سنگ رادر دست دارد به سوی خانه می آید و به نشانه دق الباب دوسنگ رابهیم می کوبد . مادر خود را جمع و جور کرده و گوش بزنگ می ماند .

شیطان (سنگهارابهیم می زند) - تق تق شیپور دروواکن ، تق تق شیپور دروواکن
مادر - توکی هستی وچی می خواهی ؟

شیطان - من از جهنم اومدم ، بمن بگو بچه هات خونه هستن ؟

در این لحظه مادر و بچه ها ترسیده و به یکدیگر می چسبند .

مادر - توکه از جهنم اومدی ، اسمت چیــــــــــــه ؟

شیطان - خب معلومه شیطون

مادر و بچه ها می لرزند و از ترس دندانهایشان بهم می خورد .

شیطان - خب ، حالامی گی که بچه هات خونه هستن یانه ؟؟

مادر (در حالیکه سعی در کتمان ترس خود را دارد) نه ، نه ، اصلا " خونه نیستن

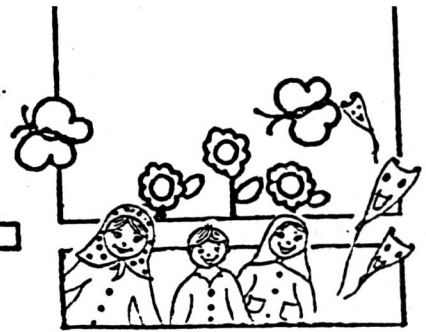
شیطان - پس کجا رفتن ؟

مادر - رفتن صحرا تا علف بخورن و بچرن .

شیطان آهان ، آهان ،

مادر - بله

شیطان برمی گردد ولی یکی دو قدم نرفته که بچه ها پا می کوبند



ودست می افشانند . شیطان صداها را می شنود و برمی گردد و سنگ

برسنگ می زند و بچه ها از ترس به یکدیگر می چسبند .

شیطان - تق تق شیپور ، درواکن ، تق تق شیپور در واکن ،

مادر - دیگه چی می خوای ؟

شیطان - توکه گفתי بچه هات خونه نیستن ، اگه خونه نیستن پس این صداها چی بود ؟

مادر - صدای پای یه عده بود که از پشت خونه ، ما گذر می کردن

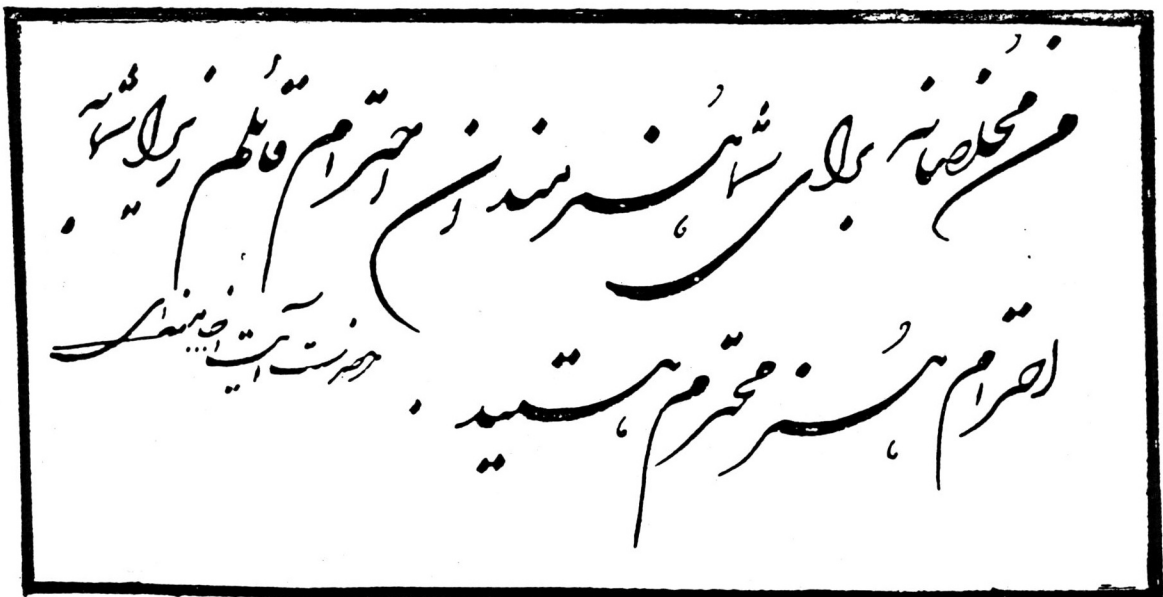
شیطان - آهان ،

شیطان مجدداً " برمی گردد و بچه ها از شادی - پای کوبی و دست افشانی می پردازند

شیطان صداها را شنیده و دوباره به در خانه می آید .

شیطان - این صدای چی بود ؟

★ ابامه دارد ★



کاکلی



نوشته: محمد رضا اشتری
کارگردان: امیر بیگ سوده
سرمدین خیشواره تاسیرون همداز

مهرماه ۱۳۷۲

آمده ایم تباران ، داریم حکایتی ما
از خجسته قصه ها ، شش در روایتی ما

یا تشکرات:

امروز بی بی ناحیه یک!

آموزش و پرورش خوزستان - اهواز

دستیار کارگردان: تقری تراز

عوامل فنی:

محمد رضا اشتری دکور - کرمیم

منوچهر جوامهری منشی صحنه

ناصر میاجی مدیر صحنه

پیرمان اشتری نور

مینا خدا بخشی لباس

بازگیران

حسین ناخدا

طوطی

علی امیر میثاقی

میمن

کاظم بیات

گوزن

سید مرتضی تقری تراز

کلاغ

ملیحه جوامهری

سفیدک

فرخنده راهدی

کاکلی

محمد جوامهری

هدیه (سوغه دانا)

سرپرست گروه:

محمد ترکاکی

گروه موسیقی:

کر معلی تک پور

آهنگساز - نوازنده

نوازنده تنبک

محمد فیروز میاندار



اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان